

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

داستان های سرنوشت ساز

۷۰ نند ۸ حکایت

نویسنده: علیرضا ابوالفضل

مؤسسه فرهنگی انتشاراتی خاتم

سرشناسه: ابوالفضل، علیرضا، ۱۳۳۴
عنوان و پدیدآوران: داستان های سرنوشت ساز، علیرضا ابوالفضل
مشخصات نشر: مشهد، مؤسسه فرهنگی انتشاراتی خاتم، ۱۳۹۰
مشخصات ظاهری: ۲۰۰ ص
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۱۵۳-۰۶-۳
بها: ۳۰۰۰ تومان

یادداشت: فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا
موضوع: علیرضا ابوالفضل، داستان و خاطرات
موضوع: داستان های امیانه ایران ق. ۱۵
رده بندی کنگره: الف. عنوان ۷ ر ۱۹ الف
نشان اثر: ۷ ص ۲ الف
رده دیویی: ۳۷۱/۱۰۰۹۶۱

مؤسسه فرهنگی انتشاراتی خاتم: ۸۷-۰۹۱۵۹۰۶۸۳۸۶

شناسنامه کتاب:

نام کتاب: داستان های سرنوشت ساز

نویسنده: علیرضا ابوالفضل (مؤلف: ۰۸۷۸۷۳۲۷ - ۰۵۱۱)

ناشر: مؤسسه فرهنگی انتشاراتی خاتم

ویراستار: مجید روح پرور

تایپ و صفحه آرایی: آیان، ۸۷۹۹۲۳۳ حمید آبرودوست

شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه

نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۰

چاپ: دقت

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۱۵۳-۰۶-۳

قیمت: ۳۰۰۰ تومان

- کليه حقوق برای نویسنده محفوظ است -

مقدمه:

به نام خداوند بزرگ که انسان را آفرید تا خلیفه او در سرزمین باشند و از داشته ها و آموخته های خود به نفع خویش سود جسته و از آن چه در خلقت است اعم از جاندار و بی جان پی به قدرت آفریدگار جهان برده و از نعمت های زیبای آن لذت ببرد و از آن چه ناگوار است عبرت گیرد. خداوند در قرآن مجید بیان فرموده: که در زمین سیر کنند تا ببینید عاقبت ستمکاران چگونه شد و از آن عبرت گیرد و به شب و روز لیل و النهار و بحر و بر و آب های جاری و کشتی هایی که بر امواج آب ها سوار است نام می برد و توجه و چگونگی رفت و آمد آن ها و پدیدار آمدن کواکب و شمس و قمر و مدار گردش کرات سماوی و ارض را که همگی بر مدار معین درآمده و شد هستند یادآور می شود تا انسان از آن چه در اطراف خود است و با آن سرکار دارد در مسیر درست استفاده کند و از نعمات خدادادی که برای انسان آفریده بهره مند شود و شکر نعمت او را به جای آورد و در برابر این همه عظمت سر تعظیم فرود آورده و از عبرت های روزگار در زندگی آن ها را به کار برده تا بتواند بهتر خود را در برابر این همه زیبایی مسئول بداند و درسی خوب زیستن را بیاموزد. یک ساعت تفکر در نظام آفرینش و این که چرا آمد و آمدن از او از برای چه بوده سرانجام او چه خواهد شد از سال ها عبادت بی توجه بهتر است. ما هم در این کتاب خواستیم با طرح گفتار عمل کرد افراد و دیدنی ها در قالب داستان های جذاب و شیرین و بکر و تا

^۱ - سوره مبارک فاطر. آیه ۲۰. سوره نمل، آیه ۳۵.

حدودی دست اول خوانندگان عزیز را به این امر توجه دهیم که ما در این دنیا نمی توانیم بی تفاوت از عمل کرد خود باشیم و این که هرگونه عمل ما عکس العمل را در پی خواهد داشت و جامعه متأثر از فعل و انفعالات افراد در طور روزگاران خود در زندگی می باشد؟

سپس در عالم آخرت از آن چه توشه در دنیا برای خود برگرفته و تحصیل کرده اند بهره خواهند برد و این که در عالم خواب و بیداری یک سری الهامات به ما می شود متأثر از رفتار خلود و دیگران است نباشیم. چه بسا اموری را که حتی حیوانات از انسان بهتر و زودتر متوجه شده که از حرکات و رفتار آن ها انسان را متوجه بزرگی خالق بی همتا می سازد. و طرح و برداشت از این اعمال و رفتار و کردار هم درس برای آیندگان که می خواهند بد و خوب و سرد گرم سختی و مشقت روزگار در رسیدن به صراط مستقیم و موفقیت خود بهره برداری کنند باشد. امید است که خوانندگان عزیز از خواندن این داستان ها کامل استفاده و بهره کافی و وافی را برده باشند و با انتقادات و پیشنهادات این حقیر را در چاپ های بعدی یاری کنند. انشا...

علیرضا ابوالفضلی

شهد مقدس

پاییز ۱۳۸۹

حیوانی که متوجه شد صاحبش فوت کرده:

پدرم تعریف می کرد، که پدرش مرحوم غلامرضا ابوالفضلی به حیوانات بسیار علاقه داشت. ایشان اسب و گاو داشت و همیشه به حیوانات مهربانی می کرد و آن ها را تیمار می نمود و توپله آن ها را خشک می کرد، به موقع به علوفه و خوراک آن ها می رسید. از اخلاقیات ایشان تعزیه خوانی بود و در تعزیه نقش امام (ع) و حضرت ابوالفضل (س) را می خواند.

روزی که ایشان فوت می کند. آن زمان مردم در ایام بیکاری حیوانات خود را به یک نفر چوپان می دادن تا به چرا ببرند. در آن روز که مرحوم غلامرضا فوت می کند احشام از جمله گاو او برای چرا بیرون از شهر برده می شوند بعد از ظهر که از چرا بر می گردند مرحوم غلامرضا را به خاک سپرده بودند.

جاده روستا از قبرستان می گذشت و به روستا منتهی می شد. آن روز که احشام از چرا بر می گشتند گاو مرحوم پدر بزرگم سر قبر می ماند و صداهایی از خود سر می دهد و حمله به قبر تازه گل شده پدر بزرگم را خراب می کند و همراه دیگر حیوانات به ده بر نمی گردد. چوپان همراه ناگزیر گاو را رها کرده به ده باز می گردد و جریان را به

مادربزرگم اطلاع می‌دهد. مادربزرگم به قبرستان مراجعه می‌کند می‌بیند
گاو قبر را خراب کرده و آن جا ایستاده.

ایشان پیش می‌رود با مهربانی حیوان را با خود او را به روستا می
آورد.

حیوانات قدرشناس محبت انسان هستند و یک سری حوادث را از
انسان زودتر می‌فهمند از جمله این داستان و حوادثی مثل زلزله که موقع
وقوع حیوانات زودتر متوجه شده و سروصدا می‌کنند و شما می‌بینید که
در مواقع زلزله انسان‌ها با استفاده از شکل‌های دست آموز افراد زیادی
را در زیر آوار شناسایی می‌کنند.